

«على الطاهر لبنان»

فلسطين
المحتلة

لبنان

اهمیت بلندی های

קרית שמונה
KIRYAT SHMONA

تلة
علي الطاهر

ناصرگاه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّمَا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (١) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (٢) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (٣)





تلة علي الطاهر

حيث يلتقي التاريخ بالحاضر
وتبقى الأرض شاهدة على المدافعين عنها.

مقام علي الطاهر
الولي الصالح الذي أُنشئ
على قمة التلة منذ قرون،
وكان مزاراً لأهالي المنطقة.
يقصدونه للبركة والدعاء.



تلة إستراتيجية تشرف
على مساحات واسعة من
النبطية وإقليم التفاح والقرى
المحيطة.

من مقام يخلّد ذكرى
مدافع عن الأرض في الماضي...
إلى أرض يحتضن اليوم
مدافعين عنها.

في الحاضر...
رجال يدافعون عن الأرض
في وجه الاحتلال.

في الماضي...
دافع عن الأرض
في وجه الغزاة.

التاريخ سيحفظ هذه المواجهات التي تحصل اليوم،
كما حفظ من سبقوها من معارك الدفاع عن الأرض والكرامة.

Alaa

اهمیت بلندی های

«علی الطاهر لبنان»

ناصر کاوه

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) امامین انقلاب، امام خمینی (ره) و شهید سید علی خامنه ای، شهدا از صدر اسلام تا شهدای رمضانی و هرمز از منظر استراتژی شهری و نظامی، **اهمیت تپه علی الطاهر** با ارتفاع ۶۰۰ متری اش از سطح دریا، به دلیل کارکرد آن به عنوان یک «**بالکن طبیعی**» است. این تپه بر گستره وسیعی از دشت مرجعین، شهرک الخیام، منطقه اقلیم التفاح و البته شهر استراتژیک «نبطیه» (پایگاه اصلی اجتماعی و لجستیکی حزب الله) اشراف مطلق دارد. در هندسه نبرد، تسلط بر این بلندی به معنای کنترل شبکه‌های مواصلاتی و لجستیکی میان نبطیه، مرجعین، مارون الراس و بنت جبیل است. رژیم اشغالگر به دنبال ایجاد یک «**محاصره همه‌جانبه**» و نفوذ در زنجیره ارتفاعات پیوسته شامل تپه‌های علی الطاهر، الطهره، الدبشه و الجبل الرفیع است. حافظه تاریخی مقاومت، عملیات سال ۱۹۸۷ و شهادت فرمانده برجسته، حاج جواد، را به یاد دارد؛ جایی که تسلط بر یک تپه بدون کنترل تپه‌های مجاور، رزمندگان را در معرض آتش مستقیم قرار داد. امروز، بر بستر آن تجربه و با بهره‌گیری از «**تجربیات گذشته**»، اتاق عملیات مقاومت دکترین خود را تغییر داده است. برخلاف استراتژی فرسایشی و انعطاف‌پذیر جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، **امروز مقاومت با یک نبرد عاشورایی و دفاع جانانه، حفظ این زنجیره سرزمینی را به عنوان خط قرمز خود تعریف کرده است.**

«اهمیت بلندی های علی الطاهر لبنان»

نویسنده : ناصرکاوه

هوش مصنوعی ، گرافیک و طراح : علی کربلانی

مشاور طرح ، رسانه و فضای مجازی : مهدی کاوه

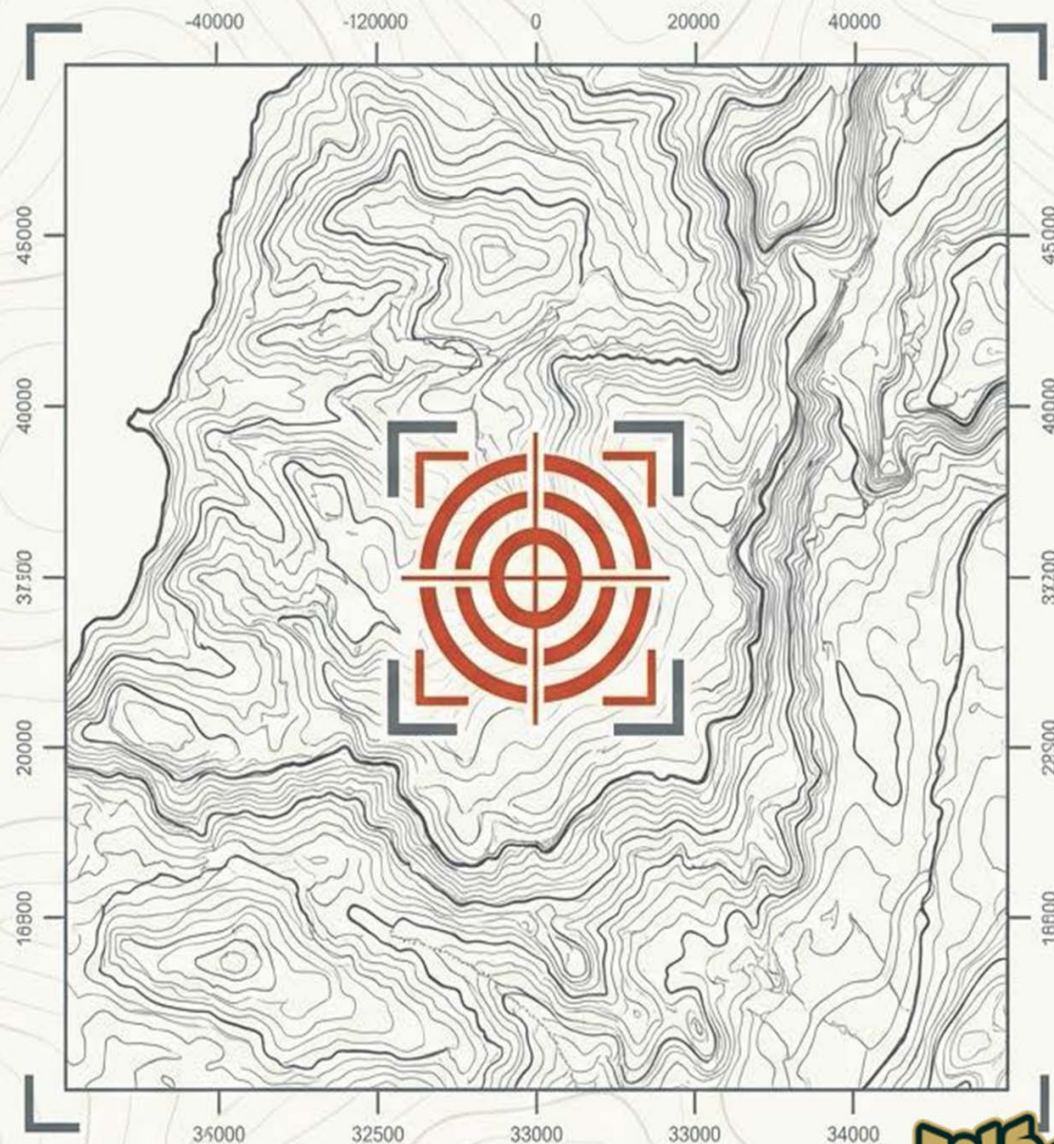
ویراستار ، تایپ و حروف نگار : نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: **صلوات بر محمد و آل محمد(ص)**

گره‌گاه استراتژیک: کالبدشکافی نبرد نبرد «علی الطاهر»

تحلیل میدانی، لجستیکی و تقابل روایت‌ها
در نبرد ارتفاعات جنوب لبنان



مِتادیتا

- 📍 موقعیت: جنوب لبنان / مشرف به رود لیتانی
- 📍 وضعیت: منطقه درگیری فعال / نقض آتش بس
- 📍 طبقه‌بندی گزارش: تحلیل ژئوپلیتیک و نظامی

ناصرکاوه

فهرست مطالب

1. پیشگفتار: از زیارتگاه قدیس تا دژ پولادین در جاده ظهور/9
 2. مقدمه: تپه‌ای کوچک با اهمیتی فراتر از اندازه/15
 3. فصل اول: علی‌الطاهر کجاست و نام آن از کجا آمده است؟/18
 4. فصل دوم: جغرافیای نظامی و حلقه ارتفاعات جنوب لبنان/21
 5. فصل سوم: چرا کفرتبیت و علی‌الطاهر به محور نبرد تبدیل شده‌اند؟/25
 6. فصل چهارم: از میدان نبرد تا بحران منطقه‌ای؛ ایران، آمریکا و آینده جنوب لبنان/29
 7. موخره: مسئله فقط تصرف یک تپه نیست/33
-

نبرد برای ارتفاعات استراتژیک «علی الطاهر»؛ اهمیت جغرافیایی و روایت‌های متضاد

اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک

اشراف دیداری و هدایت آتش
ارتفاع ۶۰۰ متری از سطح دریا یا دید کامل
بر النبطیه، کفرتنیت و دره لیطانی.



قطع شریان‌های لجستیکی
تسلط بر محور ارتباطی جنوب رودخانه
لیطانی تا بقاع غربی از طریق پل الخردلی.

دژ نظامی مستحکم
وجود شبکه‌ای از تونل‌ها،
اتاق‌های فرماندهی و انبارهای
مهمات در دل ارتفاعات.

ناصرکاوه
تقدیم می‌کند

وضعیت میدانی و روایت‌های متضاد



ادعای ارتش اسرائیل: تصرف کامل
اعلام کنترل کامل بر ارتفاعات برای ایجاد
«واقعیت امنیتی جدید» در مرزها.

روایت حزب الله: پایداری و ضدحمله
تأکید بر نفوذناپذیری منطقه و انهدام
تانک‌های مرکاوا در محورهای پیشروی.



تلفات و خسارات ادعایی

گزارش منابع میدانی مبنی بر کشته و زخمی
شدن بیش از ۱۰ نظامی اسرائیلی در ۴ روز.

مقایسه روایت‌ها: وضعیت کنترل منطقه

منابع اسرائیلی

وضعیت ادعایی: تحت کنترل کامل
دلیل اصلی: عملیات تیپ‌های زرهی و کماندویی



اتاق عملیات حزب الله

وضعیت ادعایی: در حال مقاومت
دلیل اصلی: استفاده از پهپادهای ابابیل و کمین‌های ضدزره



رادیو ارتش اسرائیل

وضعیت ادعایی: ناتوانی در پیشروی (بخشا)
دلیل اصلی: وجود تونل‌های پیچیده و تمرکز بالای نیروهای مدافع



پیشگفتار

از زیارتگاه قدیس تا دژ پولادین در جاده ظهور

لبنان، همواره سرزمینی آمیخته با اسطوره‌ها، خون و مقاومت بوده است؛ اما در معماری نبردهای نوین، نام یک عارضه جغرافیایی بیش از هر زمان دیگری به گوش می‌رسد: «تپه علی الطاهر». برای درک آنچه امروز در جنوب لبنان می‌گذرد، باید به ریشه‌های تاریخی این خاک بازگشت.

مورخان می‌گویند حدود ۷۷۰ سال پیش (و به روایتی در دوران جنگ‌های صلیبی)، فرمانده و عارفی پارسا به نام «علی الطاهر» در نبرد با اشغالگران صلیبی به شهادت رسید و در قله این تپه دفن شد.

زیارتگاه او که در سال ۱۱۸۰ هجری قمری توسط حاج علی هلال مرمت شد و با چشمه باستانی «عین الطاهره» گره خورده است، امروز نه فقط یک مکان مقدس، بلکه کانون اصلی نبردی است که سرنوشت «هژمونی غرب» در منطقه را تعیین می‌کند.

تپه‌ای که روزگاری محل نیایش بود، اکنون در قامت یک «نبرد حیاتی و استراتژیک» در برابر ماشین جنگی رژیم صهیونیستی قد علم کرده و به گورستان اشغالگران تبدیل شده است.

ژئوپلیتیک آتش و معماری «ترمز استراتژیک» مقاومت

از منظر استراتژی شهری و نظامی، اهمیت تپه علی الطاهر با ارتفاع ۶۰۰ متری اش از سطح دریا، به دلیل کارکرد آن به عنوان یک «بالکن طبیعی» است. این تپه بر گستره وسیعی از دشت مرجعین، شهرک الخیام، منطقه اقلیم التفاح و البته شهر استراتژیک «نبطیه» (پایگاه اصلی اجتماعی و لجستیکی حزب الله) اشراف مطلق دارد. در هندسه نبرد، تسلط بر این بلندی به معنای کنترل شبکه‌های مواصلاتی و لجستیکی میان نبطیه، مرجعین، مارون الراس و بنت جبیل است.

رژیم اشغالگر به دنبال ایجاد یک «محاصره همه‌جانبه» و نفوذ در زنجیره ارتفاعات پیوسته شامل تپه‌های علی الطاهر، الطهره، الدبشه و الجبل الرفیع است. حافظه تاریخی مقاومت، عملیات سال ۱۹۸۷ و شهادت فرمانده برجسته، حاج جواد، را به یاد دارد؛ جایی که تسلط بر یک تپه بدون کنترل تپه‌های مجاور، رزمندگان را در معرض آتش مستقیم قرار داد.

امروز، بر بستر آن تجربه و با بهره‌گیری از «تجربیات گذشته»، اتاق عملیات مقاومت دکترین خود را تغییر داده است. برخلاف استراتژی فرسایشی و انعطاف‌پذیر جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، امروز مقاومت با یک نبرد عاشورایی و دفاع جانانه، حفظ این زنجیره سرزمینی را به عنوان خط قرمز خود تعریف کرده است.

گورستان زرهپوش ها و طنز تلخ «تابوت های متحرک»

وضعیت میدانی ارتش رژیم صهیونیستی در محور کفرتبیت-علی الطاهر، یادآور یک طنز تلخ نظامی است. فرماندهی ارتش اسرائیل که پس از ناکامی های مفتضحانه در دره های یحمر، زوטר، غندوریه و وادی الحجیر متوجه شد دره های جنوب لبنان تله های مرگباری برای زرهپوش هایش هستند، تلاش کرد از محور خردلی-ارنون-کفرتبیت پیشروی کند.

اما در برابر شبکه پیچیده تونل ها، سنگر های مستحکم و موشک های ضدزره «کورنت»، تانک های مرکاوا به معنای واقعی کلمه به «تابوت های متحرک» تبدیل شده اند.

اصرار ژنرال های صهیونیست برای پیشروی در این محور، از سر استیصال است؛ پیاده نظام آن ها بدون حصار فولادی جرأت حرکت ندارد و فرماندهان نیز تانک ها را فدا می کنند تا آبروی از دست رفته خود را در این «برتری توهم» نظامی بازیابند.

هلاکت فرمانده لشکر ۴۰۱ زرهی ارتش اسرائیل در این منطقه و رها شدن اجساد سربازانی چون «یوآف کلاین» و «نیل بن آری» به دلیل حجم سنگین آتش مقاومت، نشان می دهد که سه تیپ زرهی دشمن در این محور کاملاً زمین گیر شده اند. بالگردهای اسرائیلی روزانه در نقش آمبولانس های هوایی، تلفات سنگین این لجاجت نظامی را تخلیه می کنند.

پارادوکس خادمان: خیانت‌های دیپلماتیک در برابر خون شهدا

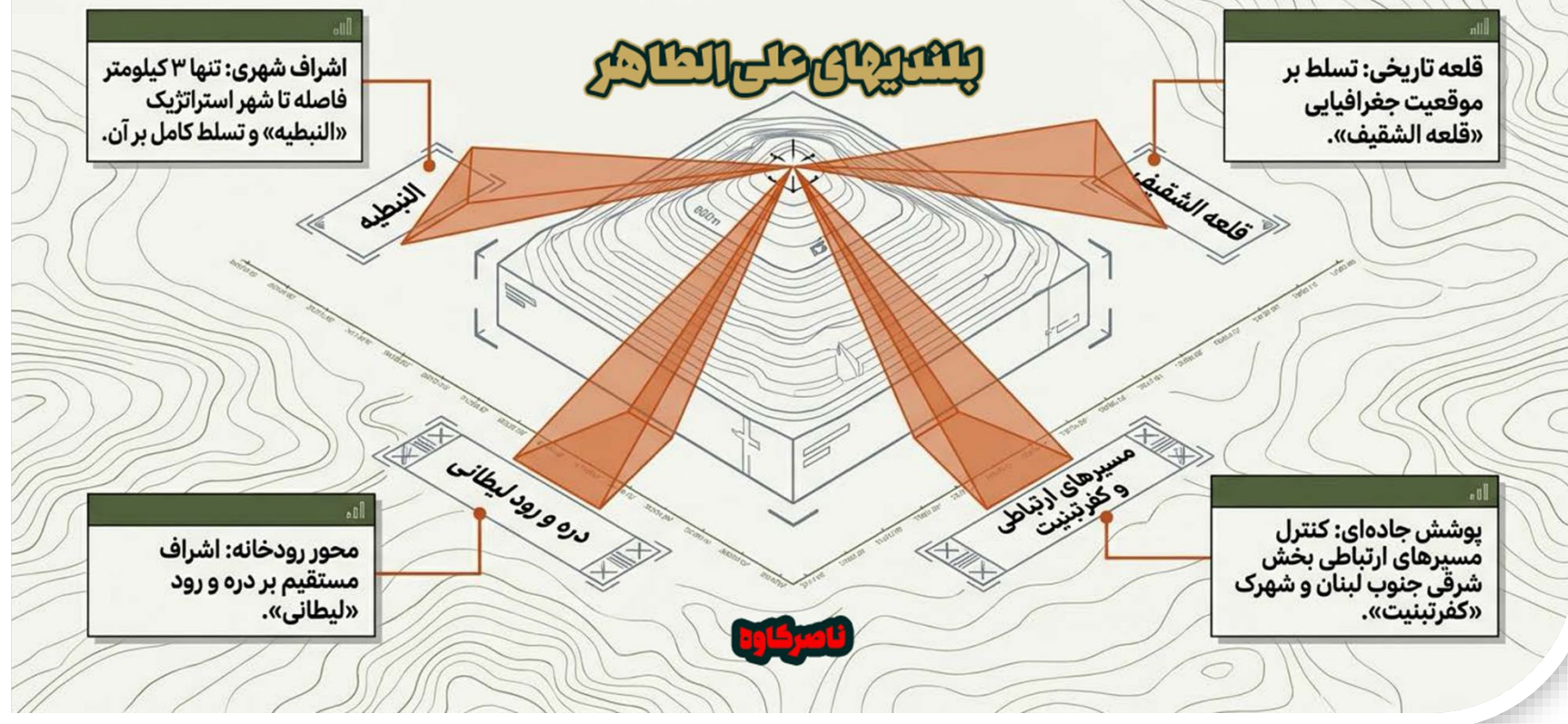
در حالی که رزمندگان حزب‌الله با تقدیم خون خود، «بیمه اصالت مقاومت» را برای سرزمین لبنان صادر می‌کنند، شاهد نوعی «پارادوکس خادمان» در بدنه سیاسی این کشور هستیم. دولت لبنان با پذیرش و امضای توافقنامه‌هایی نظیر «توافقنامه چارچوب» تحت فشارهای دیکته‌شده آمریکا، عملاً به سمت تسلیم در برابر زیاده‌خواهی‌های اسرائیل گام برداشته است. این تاکتیک سازش‌کارانه و ایجاد فضا برای صهیونیست‌ها، در تضاد مطلق با نبرد کربلایی جوانانی است که در تپه علی الطاهر سینه سپر کرده‌اند. **شیخ نعیم قاسم به درستی اشاره کرده است که مقاومت در دوراهی «تسلیم و سقوط» یا «پایداری و شکست طرح دشمن»، راه دوم را برگزیده است، اما خیانت‌های سیاسی و امید بستن به میانجی‌گری غربی‌ها، خنجری است که از پشت بر پیکر مقاومت وارد می‌شود.**

تله ژئوپلیتیک، جنگ زیرزمینی و آخرین جرعه در نبرد ادراک

تلاش برای قراردادن تهران در یک معمای استراتژیک. تحلیلگران غربی مدعی‌اند اسرائیل با افزایش فشار مرحله‌ای بر زیرساخت‌های استراتژیک و تونل‌های عمیق تپه علی الطاهر (با استفاده از تجهیزات رباتیک و فناوری‌های پیشرفته جایگزین حمله زمینی گسترده)، در پی آن است تا ایران را تحریک به ورود مستقیم کند یا وادار سازد شاهد فرسایش توان متحدانش باشد. اما در این شطرنج پیچیده و خرد استراتژیک

جبهه مقاومت تحت هدایت ولی فقیه، به خوبی دست دشمن را خوانده است. محور مقاومت می‌داند که آمریکا با پشتیبانی اطلاعاتی خود، آماده است تا هرگونه واکنش مستقیم را بهانه‌ای برای گسترش دامنه جنگ در منطقه قرار دهد. از این رو، پاسخ ایران و مقاومت اسلامی، نه افتادن در تله جنگ مستقیم و همه‌جانبه دلخواه نتانیا هو، بلکه طراحی یک جنگ فرسایشی، نقطه به نقطه و مرگبار در همان جبهه کفرتبیت است. مقاومت تیغ خود را دقیقاً در گلوگاهی نصب کرده که می‌داند دشمن برای بقا در شمال لیتانی چاره‌ای جز عبور از آن ندارد. تپه «علی الطاهر» امروز فراتر از یک مختصات جغرافیایی یا چند صد متر ارتفاع خاکی است؛ این تپه، گره‌گاه نظامی، امنیتی و سیاسی کلیدی در تقابل جبهه حق علیه هژمونی باطل است. نبرد در این منطقه، نبرد برای نوشیدن «آخرین جرعه» از جام پیروزی است. دشمن صهیونیستی که در پی تخریب تونل‌ها و ایجاد یک عمق امنیتی طولانی‌مدت است، به خوبی می‌داند که عقب‌نشینی از این محور بدون دستاورد، به معنای فروپاشی کامل حضور نظامی‌اش در شمال رود لیتانی خواهد بود. اما تاریخ، به ویژه در جغرافیای جبل عامل، بارها ثابت کرده است که خون بر شمشیر و اراده انسانی بر تکنولوژی غلبه می‌کند. **همان‌گونه که در سال ۲۰۰۰ اسرائیل طعم تلخ فرار را چشید، امروز نیز مقاومت اسلامی با درهم شکستن خطوط زرهی دشمن بر بلندای علی الطاهر، در حال نگارش فصلی جدید از پیروزی است. سرنوشت این جنگ را نه طرح‌های شوم دیپلماتیک در اتاق‌های دربسته و نه ربات‌های زیرزمینی ارتش اشغالگر، بلکه پایداری مردانی تعیین می‌کند که مرگ را به سخره گرفته‌اند تا قدس شریف، روزی طعم آزادی را بچشد. علی الطاهر، دژ تسخیرناپذیر مقاومت، به زودی پاسخ نهایی را به ماشین جنایت صهیونیست‌ها خواهد داد.**

ارزش زمین: چرا تپه ۶۰۰ متری حیاتی است؟



مقدمه: تپه‌ای کوچک با اهمیتی فراتر از اندازه

در جنگ‌ها، اهمیت یک موقعیت جغرافیایی همیشه با وسعت آن سنجیده نمی‌شود. گاهی یک تپه، گردنه، پل یا دره می‌تواند ارزشی بیشتر از ده‌ها کیلومتر مربع زمین داشته باشد؛ زیرا بر مسیرهای ارتباطی، خطوط تدارکاتی، مناطق مسکونی و حتی آرایش کلی نیروها اشراف دارد. تاریخ جنگ‌های معاصر نشان داده است که تسلط بر ارتفاعات، به‌ویژه در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، می‌تواند سرنوشت یک جبهه را تغییر دهد. تپه علی‌الطاهر در جنوب لبنان نیز در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند.

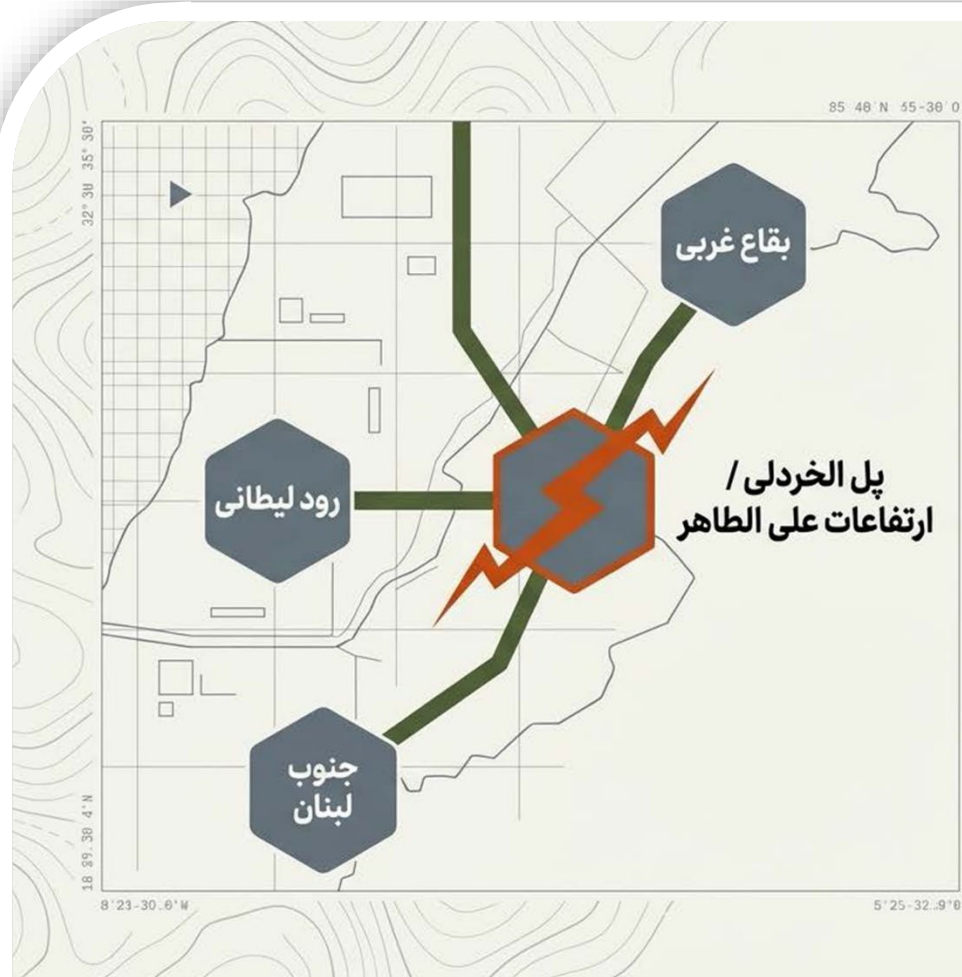
نام «علی‌الطاهر» در ماه‌های اخیر بیش از گذشته در گزارش‌های رسانه‌ای و تحلیل‌های نظامی شنیده شده است. این ارتفاع در نزدیکی نبطیه، کفرتینیت و شمال رود لیتانی قرار دارد و بخشی از شبکه بلندی‌هایی است که بر جغرافیای شرقی و مرکزی جنوب لبنان مسلطاند. موقعیت آن، این تپه را به نقطه‌ای مناسب برای دیده‌بانی، ارزیابی تحرکات، کنترل محورهای مواصلاتی و پشتیبانی از عملیات نظامی تبدیل کرده است. به همین دلیل، هرگونه تلاش برای تغییر وضعیت در این منطقه، فقط یک عملیات محدود محلی تلقی نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند بر موازنه نیروها در بخش وسیعی از جنوب لبنان اثر بگذارد. اهمیت علی‌الطاهر، تنها به ارزش نظامی آن محدود نیست. در قله این تپه زیارتگاهی تاریخی قرار دارد که نام منطقه با آن پیوند خورده است. روایت‌های محلی و برخی منابع تاریخی، این مکان را به شخصیتی مذهبی یا نظامی منسوب می‌کنند که در دوران جنگ‌های مسلمانان با صلیبیون زیسته و در همین ناحیه به خاک سپرده شده است.

آرامگاه، گنبد، چشمه و موقوفات مرتبط با آن، نشان می‌دهند که علی‌الطاهر پیش از آنکه به یک نقطه نظامی تبدیل شود، بخشی از حافظه مذهبی و فرهنگی جبل عامل بوده است.

اما درگیری‌های امروز، این میراث تاریخی را در میان محاسبات سخت نظامی قرار داده است. ارتفاعی که زمانی محل زیارت و روایت‌های محلی بود، اکنون در گزارش‌ها به‌عنوان یکی از گره‌های دفاعی و دیده‌بانی جنوب لبنان معرفی می‌شود. در مقابل، روایت‌های مختلف درباره اهداف اسرائیل، نقش حزب‌الله، موضع دولت لبنان و احتمال ارتباط این جبهه با محاسبات ایران و آمریکا مطرح شده است؛ روایت‌هایی که بخشی از آنها به گزارش‌های رسانه‌ای و تحلیل‌های طرف‌های درگیر وابسته‌اند و نمی‌توان همه آنها را قطعی دانست.

برای فهم اهمیت علی‌الطاهر، باید سه سطح را از یکدیگر جدا کرد:

نخست، جایگاه تاریخی و فرهنگی؛ دوم، ویژگی‌های جغرافیایی و نظامی؛ و سوم، پیامدهای سیاسی و منطقه‌ای. این نوشتار با چنین رویکردی، موقعیت این تپه، ریشه نام آن، ارتباطش با کفرتبیت و رود لیتانی، نقش آن در زنجیره ارتفاعات جنوب لبنان و سناریوهای احتمالی آینده را بررسی می‌کند.



شریان لجستیک: خطر قطع اتصال بقاع و جنوب

اهمیت شبکه

این ارتفاعات گره ارتباطی چند محور عملیاتی کلیدی است.

تهدید استراتژیک

تسلط بر علی الطاهر، به معنای قرار گرفتن مسیر تدارکاتی پل الخردلی در تیررس مستقیم است.

هدف نهایی دشمن

قطع ارتباط لجستیکی میان نیروهای مقاومت در «بقاع غربی» و «جنوب لبنان» و اعمال محدودیت شدید در جابجایی نیرو و تجهیزات.

فصل اول: علی الطاهر کجاست و نام آن از کجا آمده است؟

تپه یا تل علی الطاهر در جنوب لبنان و در محدوده‌ای نزدیک به شهر نبطیه قرار دارد. این ارتفاع در نزدیکی شهرک کفرتبنیت و در شمال رود لیتانی واقع شده و از نظر جغرافیایی در پیوند با منطقه اقلیم التفاح، مرجعین و دیگر ارتفاعات شرقی و مرکزی جنوب لبنان قرار می‌گیرد. در برخی گزارش‌ها، فاصله آن از نبطیه و جایگاه دقیقش با تفاوت‌هایی توصیف شده است؛ بنابراین برای تعیین مختصات دقیق، باید به نقشه‌های رسمی و منابع جغرافیایی معتبر مراجعه کرد. با این حال، در کلیت موضوع تردیدی نیست که این تپه در حوزه پیرامونی نبطیه و در بخش مهمی از ارتفاعات شمال لیتانی قرار دارد. **ارتفاع علی الطاهر در گزارش‌های مختلف حدود ۶۰۰ متر از سطح دریا ذکر شده است. این ارتفاع، اگرچه در مقایسه با قله‌های بلند لبنان چشمگیر نیست، اما در جغرافیای محلی اهمیت زیادی دارد. ارزش نظامی یک بلندی به ارتفاع مطلق آن وابسته نیست؛ بلکه میزان اشراف آن بر دشت‌ها، راه‌ها، روستاها و ارتفاعات مجاور اهمیت بیشتری دارد. از این منظر، علی الطاهر مانند سکویی طبیعی بر بخشی از زمین‌های اطراف عمل می‌کند.**

ریشه نام این تپه به یک زیارتگاه تاریخی در قله آن بازمی‌گردد. بر اساس روایت‌های محلی، شخصی به نام علی الطاهر در این مکان دفن شده است. درباره هویت او روایت‌های متفاوتی وجود دارد. برخی او را عارفی صالح و مورد احترام مردم دانسته‌اند و برخی دیگر، او را از فرماندهان مسلمان در نبردهای تاریخی با صلیبیون معرفی کرده‌اند. این روایت‌ها در منابع محلی و شفاهی بازتاب یافته‌اند، اما برای

داوری قطعی درباره هویت تاریخی وی، بررسی اسناد اولیه و پژوهش های دانشگاهی ضروری است. گفته شده است که آرامگاه این شخصیت در سال ۱۱۸۰ هجری قمری، برابر با حدود سال ۱۷۶۶ میلادی، به دست حاج علی هلال مرمت شده است. وجود گنبد بر فراز زیارتگاه، آن را به نشانه ای قابل تشخیص در چشم انداز منطقه تبدیل کرده بود. همچنین در برخی منابع، میان این زیارتگاه و چشمه ای تاریخی به نام «عین الطاهره» یا «چشمه پاکی» ارتباط برقرار شده است. موقوفات زیارتگاه نیز بنا بر روایت های موجود، از سوی خانواده هایی در نبطیه اداره می شده است.

نام علی الطاهر در نوشته های برخی جهانگردان و مورخان، از جمله ادوارد رابینسون و سید محسن امین، ذکر شده است. این اشاره ها نشان می دهد که این مکان پیش از تحولات نظامی معاصر نیز برای جغرافی دانان، مسافران و پژوهشگران شناخته شده بوده است. بنابراین، علی الطاهر را نباید صرفاً یک موقعیت نظامی دانست؛ این تپه بخشی از میراث تاریخی جبل عامل و حافظه جمعی مردم منطقه نیز به شمار می رود.

با گسترش درگیری های مرزی و تبدیل جنوب لبنان به عرصه منازعه، معنای این مکان تغییر کرده است. زیارتگاهی که در گذشته نماد قداست و تعلق محلی بود، اکنون در متن ادبیات جنگی با واژه هایی مانند «بلندی راهبردی»، «موقعیت دیده بانی» و «گره دفاعی» توصیف می شود. همین دوگانگی، یعنی همزمانی هویت تاریخی و ارزش نظامی، به علی الطاهر جایگاهی ویژه در روایت های امروز داده است.

جنگ اطلاعاتی: تقابل روایت‌ها

ادعای ارتش اسرائیل

- کنترل کامل بر ارتفاعات علی الطاهر به دست آمده است.
- پایگاه و موضع مستحکم نظامی حزب الله پاکسازی شد.
- یک «واقعیت امنیتی جدید» در منطقه ایجاد شده است.
- هدف: جلوگیری از استقرار مجدد نیروهای مقاومت در نوار مرزی.



گزارش میدانی مقاومت

- ادعای اشغال کذب است؛ تپه علی الطاهر غیرقابل نفوذ باقی مانده است.
- نیروهای مهاجم وادار به عقب‌نشینی از شهرک کفرتبنیت شدند.
- تلفات سنگین دشمن (بیش از ۱۰ کشته از افسران و نظامیان).
- دشمن برای سرپوش گذاشتن بر شکست نظامی، غیرنظامیان را در جنوب و بقاع هدف قرار می‌دهد.

فصل دوم: جغرافیای نظامی و حلقه ارتفاعات جنوب لبنان

اهمیت اصلی علی الطاهر از موقعیت آن در شبکه ارتفاعات جنوب لبنان ناشی می شود. جنوب لبنان سرزمینی است که در آن دشت ها، دره ها، تپه ها و مسیرهای باریک ارتباطی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

چنین جغرافیایی، حرکت نیروهای نظامی را دشوار می کند و باعث می شود کنترل ارتفاعات بر چگونگی استفاده از راه ها و دره ها تأثیر مستقیم داشته باشد.

تپه علی الطاهر بر بخش هایی از دشت های اطراف و مسیرهای منتهی به نبطیه و کفرتبنیت اشراف دارد. در صورت استقرار نیروهای دیده بانی یا سامانه های شناسایی در یک ارتفاع، امکان رصد حرکت خودروها، جابه جایی نیروها و تغییرات میدانی افزایش می یابد.

البته میزان واقعی این اشراف به عواملی مانند پوشش گیاهی، شرایط جوی، تجهیزات شناسایی و موقعیت نیروهای مقابل بستگی دارد. بنابراین تعبیرهایی مانند «اشراف کامل» یا «دید مطلق» بیشتر جنبه تبلیغاتی یا تحلیلی دارند و نباید بدون نقشه و داده های میدانی، قطعی تلقی شوند.

در ادبیات نظامی، ارتفاعات منفرد معمولاً به تنهایی تعیین کننده نیستند. ارزش واقعی آنها زمانی آشکار می شود که در کنار ارتفاعات مجاور بررسی شوند. در مورد علی الطاهر، در گزارش ها از پیوند آن با بلندی هایی مانند الطهره، الدبشه و الجبل الرفیع در اقلیم التفاح سخن گفته می شود. این نقاط، در صورت قرار گرفتن در یک آرایش پیوسته، می توانند کمربندی از دیده بانی و آتش ایجاد کنند.

کنترل یک حلقه از این زنجیره، بدون کنترل حلقه های دیگر، ممکن است نیروی مهاجم را در برابر آتش از جناح ها و ارتفاعات مجاور آسیب پذیر کند. قلعه شقیف یا ارنون نیز در همین چارچوب اهمیت دارد.

این قلعه بر فراز صخره های بلند قرار گرفته و در طول تاریخ، بر مسیرهای ارتباطی منطقه اثر گذاشته است. نزدیکی محورهای ارنون، خردلی، کفرتبنیت و علی الطاهر، باعث شده است تحلیلگران نظامی این مناطق را به صورت یک مجموعه به هم پیوسته بررسی کنند.

در چنین وضعیتی، تصرف یک ارتفاع تنها زمانی دستاوردی پایدار خواهد بود که امکان پشتیبانی، تأمین تدارکات و حفاظت از مسیرهای دسترسی نیز فراهم باشد. رود لیتانی نیز بر محاسبات نظامی اثر می گذارد.

هرگاه نیرویی از یک مانع طبیعی مانند رودخانه عبور می کند، برای تثبیت موقعیت خود به منطقه ای امن در سوی دیگر نیاز دارد.

در ادبیات نظامی، این منطقه «سرپل» نامیده می‌شود. محور کفر تبیت-علی الطاهر، در تحلیل‌های منتشر شده، به‌عنوان یکی از نقاطی معرفی شده است که می‌تواند در تثبیت یا تهدید چنین سرپلی نقش داشته باشد.

از سوی دیگر، این جغرافیا برای نیروهای زرهی نیز چالش‌برانگیز است.

دره‌های باریک و مسیرهای محدود، حرکت تانک‌ها و خودروهای سنگین را قابل پیش‌بینی می‌کند. در مقابل، ارتفاعات به نیروهای سبک‌تر امکان می‌دهند تا از زمین، پوشش و مسیرهای فرعی استفاده کنند.

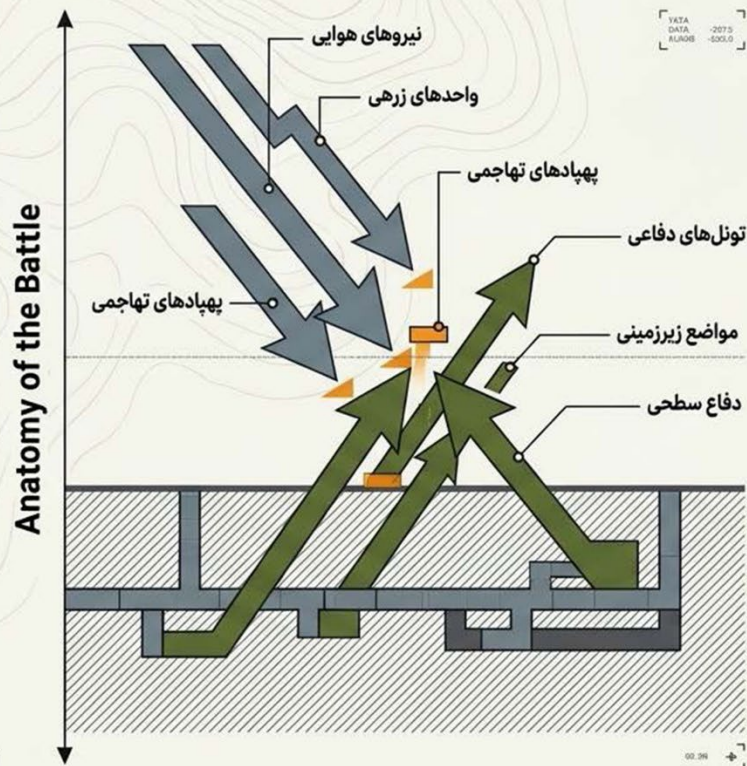
"به همین دلیل، نبرد در جنوب لبنان ترکیبی از اهمیت ارتفاعات، دشواری حرکت زرهی و نقش سلاح‌های دورایستا و ضدزره است."

در نتیجه، علی‌الطاهر را باید نه یک تپه منفرد، بلکه بخشی از یک سامانه جغرافیایی دانست.

هر تغییری در وضعیت آن می‌تواند بر نبطیه، کفر تبیت، راه‌های منتهی به مرجعیه و پیوندهای منطقه اقلیم‌التفاح اثر بگذارد.

این پیوستگی جغرافیایی است که به تپه‌ای نسبتاً محدود، ارزشی فراتر از ابعاد طبیعی‌اش می‌دهد.

کالبدشکافی تاکتیکی: جنگ سه بعدی



یگانهای مهاجم (اسرائیل)

- ترکیب نیروها: تیپ پیاده، کماندوها، و تیپ ویژه «گفعاتی».
- پشتیبانی: حملات متراکم توپخانه‌ای، پوشش گسترده هوایی و پرواز انبوه پهپادهای جاسوسی.
- تاکتیک خروج: استفاده از بمب‌های دودزا و بالگرد برای تخلیه تلفات.

شبکه دفاعی (حزب الله)

- زیرسطحی: شبکه پیچیده‌ای از تونل‌های رزمی عمیق و اتاق‌های فرماندهی.
- ضدزره: سکوهای پرتاب موشک‌های ضدزره و مواضع تک‌تیرانداز.
- هجومی: استفاده ترکیبی از راکت، خمپاره و پهپادهای انتحاری (ابابیل).

فصل سوم: چرا کفرتبئیت و علی الطاهر به محور نبرد تبدیل شده‌اند؟

محور کفرتبئیت و علی الطاهر در گزارش‌های مربوط به درگیری‌های جنوب لبنان، یکی از مسیرهای مهم برای جابه‌جایی و فشار نظامی معرفی شده است. اهمیت این محور از آنجا ناشی می‌شود که میان چند منطقه مهم ارتباط برقرار می‌کند و به شمال رود لیتانی، نبطیه و ارتفاعات پیرامونی پیوند دارد.

هر نیرویی که بخواهد در این بخش پیشروی کند، باید همزمان بر مسیرهای ارتباطی و ارتفاعات مسلط شود؛ در غیر این صورت، نیروهای پیشرو ممکن است در معرض آتش از جناح‌ها قرار بگیرند.

برخی گزارش‌های تحلیلی، از جمله گزارش‌هایی که به وبگاه الخنادق نسبت داده شده، ادعا کرده‌اند که ارتش اسرائیل پس از ناکامی در محورهایی مانند یحمر، زوطر، غندوریه و وادی الحجیر، به مسیر خردلی-ارنون-کفرتبئیت توجه بیشتری نشان داده است. این روایت، دره‌های جنوب لبنان را برای حرکت خودروهای زرهی نامناسب و پرخطر توصیف می‌کند.

مسیرهای محدود، موانع طبیعی و امکان کمین، از عواملی هستند که می‌توانند حرکت یک نیروی منظم را کند کنند.

در این چارچوب، علی الطاهر برای نیروی مهاجم یک هدف چندمنظوره است. نخست، کنترل آن می تواند امکان دیده بانی بهتر بر مسیرهای اطراف را فراهم کند. دوم، این ارتفاع می تواند به عنوان نقطه پشتیبانی برای حفاظت از نیروهای مستقر در مناطق پایین تر به کار رود. سوم، تصرف آن ممکن است فشار بر نبطیه و خطوط ارتباطی پیرامون شهر را افزایش دهد.

با این حال، هیچیک از این مزایا بدون تثبیت لجستیکی و کنترل ارتفاعات مجاور قطعی و پایدار نخواهد بود.

برای حزب الله نیز حفظ این منطقه اهمیت دفاعی دارد. نبطیه از مراکز مهم اجتماعی و ارتباطی جنوب لبنان به شمار می رود و تهدید ارتفاعات غربی و جنوبی آن می تواند امنیت محورهای پیرامونی را تحت تأثیر قرار دهد. از نگاه مقاومت، از دست رفتن یک ارتفاع ممکن است به ایجاد شکاف در زنجیره دفاعی منجر شود و مسیر فشار به سوی مناطق شمالی تر را باز کند.

همین برداشت، سبب شده است که علی الطاهر در روایت مقاومت به عنوان یک «خط قرمز سرزمینی» یا موقعیتی حیاتی معرفی شود.

در گزارش های منتشر شده درباره این محور، از استفاده از توپخانه، حملات هوایی، پهپادها، نیروهای ویژه و سلاح های ضدزره سخن گفته شده است. همچنین برخی منابع از حضور یگان هایی مانند ماجلان در عملیات های شناسایی یا نفوذ خبر داده اند.

این ادعاها باید از طریق منابع مستقل بررسی شوند؛ زیرا در زمان جنگ، هر دو طرف معمولاً اطلاعات مربوط به موفقیت‌ها و تلفات را در چارچوب جنگ روانی منتشر می‌کنند.

پیشینه عملیات سال ۱۹۸۷ نیز در برخی روایت‌ها به‌عنوان نمونه‌ای تاریخی از دشواری نبرد در این منطقه مطرح شده است. بر اساس این روایت، نیروهای مقاومت در آن زمان توانستند به پایگاه علی‌الطاهر یورش ببرند، اما آتش مستقیم تانک‌ها و توپخانه مستقر در ارتفاعات مجاور، از جمله الدبشه و الطهره، شرایط پیچیده‌ای ایجاد کرد و به شهادت یکی از فرماندهان مقاومت، حاج جواد، انجامید.

اگر این روایت با اسناد تاریخی تأیید شود، نشان‌دهنده پیوستگی عملیاتی ارتفاعات اطراف خواهد بود.

نبرد در چنین جغرافیایی صرفاً بر سر چند ساختمان یا چندصد متر زمین نیست. هر طرف می‌کوشد عمق دفاعی، مسیرهای پشتیبانی و امکان تحرک طرف مقابل را محدود کند.

از این رو، کفرتبیت و علی‌الطاهر به یک گره عملیاتی تبدیل شده‌اند؛ گره‌ای که نتیجه آن می‌تواند بر دوام یا شکنندگی حضور هر نیرویی در شمال رود لیتانی اثر بگذارد.

لاگ عملیاتی: دفع پیشروی ۴ روزه

چهارشنبه | ۰۸:۰۰ صبح

رصد پیشروی پیاده نظام دشمن در اطراف شرقی کفرتبیت.

واکنش:

اجرای عملیات با رمز «یا ابا عبدالله». هجوم انبوه پهبادهای و کواکوپترهای انفجاری «ابابیل» همراه با آتش خمپاره. (تلفات قطعی دشمن).

پنجشنبه | ۰۱:۵۰ بامداد

تلاش دشمن برای بازآرایی نیروها در منطقه «المعبر».

واکنش:

اصابت مستقیم سلاح ضدزره به تانک «مرکاوا». انهدام خودرو نظامی و زخمی شدن ۷ نظامی. عقب نشینی اجباری نیروهای مهاجم به سمت ارنون.

فصل چهارم: از میدان نبرد تا بحران منطقه‌ای؛ ایران، آمریکا و آینده جنوب لبنان

درگیری بر سر علی‌الظاهر تنها در سطح تاکتیکی و محلی تحلیل نمی‌شود. برخی گزارش‌ها و تحلیل‌ها تلاش می‌کنند این جبهه را به محاسبات گسترده‌تر میان اسرائیل، حزب‌الله، ایران و آمریکا پیوند دهند. بر اساس این دیدگاه، فشار بر زیرساخت‌های حزب‌الله می‌تواند بخشی از راهبردی وسیع‌تر برای کاهش توان مقاومت در جنوب لبنان باشد. در مقابل، هرگونه آسیب جدی به نیروهای وابسته به ایران یا گسترش حملات، احتمال افزایش سطح درگیری را مطرح می‌کند.

البته ادعای وجود یک طرح مشترک برای کشاندن ایران به جنگ، بدون اسناد معتبر قابل اثبات نیست. آنچه می‌توان با احتیاط گفت، این است که پیوندهای امنیتی و سیاسی میان ایران و حزب‌الله، باعث می‌شود تحولات جنوب لبنان برای تهران اهمیت داشته باشد. ایران در چنین شرایطی با دو ملاحظه هم‌زمان روبه‌رو است: حمایت از متحد خود و جلوگیری از تبدیل درگیری محدود به جنگی مستقیم با اسرائیل و آمریکا.

از دیدگاه برخی تحلیلگران، اسرائیل ممکن است به جای آغاز فوری یک عملیات زمینی گسترده، بر فشار مرحله‌ای، حملات هوایی، محاصره، عملیات مهندسی و هدف قرار دادن زیرساخت‌های زیرزمینی تمرکز کند.

این رویکرد می‌تواند با هدف کاهش تلفات نیروهای مهاجم و جلوگیری از ورود مستقیم ایران دنبال شود. گزارش‌هایی درباره شناسایی یا تخریب تونل‌ها و تأسیسات زیرزمینی در منطقه منتشر شده است، اما میزان صحت و گستره واقعی این اقدامات نیازمند بررسی مستقل است. در برابر این رویکرد، حزب‌الله می‌تواند بر جنگ فرسایشی، استفاده از زمین، کمین، آتش ضدزره و حملات محدود اما پیوسته تکیه کند. چنین الگویی برای نیرویی که در زمین آشنا فعالیت می‌کند، می‌تواند هزینه پیشروی نیروی مهاجم را افزایش دهد.

در مقابل، تداوم جنگ فرسایشی برای ساکنان غیرنظامی، زیرساخت‌های لبنان و امنیت منطقه هزینه‌های سنگینی دارد و خطر گسترش بحران انسانی را افزایش می‌دهد.

آمریکا در این معادله نقش مهمی دارد. حمایت اطلاعاتی، تسلیحاتی و سیاسی واشنگتن از اسرائیل، از نگاه منتقدان، بخشی از موازنه موجود در منطقه است. با این حال، ورود مستقیم آمریکا به جنگ به عواملی مانند نوع حملات، میزان تهدید علیه نیروها و منافع این کشور و واکنش ایران بستگی خواهد داشت.

اگر درگیری از جنوب لبنان به حمله مستقیم میان ایران و اسرائیل تبدیل شود، احتمال فعال شدن پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی در منطقه نیز افزایش می‌یابد.

برای آینده علی الطاهر می توان سه سناریوی کلی در نظر گرفت. در سناریوی نخست، فشار نظامی ادامه می یابد اما درگیری در چارچوب اسرائیل و حزب الله باقی می ماند. در سناریوی دوم، حمله ای با تلفات گسترده یا هدف قرار گرفتن نیروهای ایرانی، واکنش مستقیم تهران را به دنبال می آورد و بحران منطقه ای می شود. در سناریوی سوم، میانجیگری سیاسی و توافقی برای عقب نشینی نیروها و استقرار ارتش لبنان شکل می گیرد؛ هرچند اختلاف بر سر شروط امنیتی، سلاح حزب الله و حدود عقب نشینی، تحقق چنین توافقی را دشوار می کند.

نقش دولت لبنان نیز در این میان محل مناقشه است.

منتقدان، سیاست های دولت را سازش کارانه و ناشی از فشار آمریکا می دانند؛ در حالی که دولت لبنان ممکن است اقدامات خود را در چارچوب حفظ حاکمیت، جلوگیری از جنگ فراگیر و افزایش نقش ارتش رسمی توجیه کند.

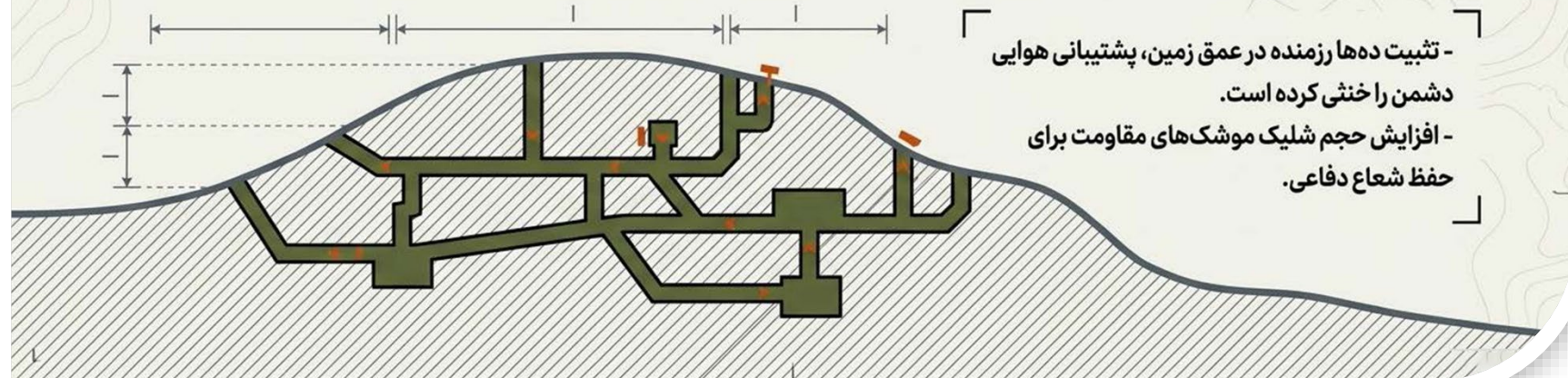
استفاده از تعبیری مانند «خیانت» نیازمند ارائه اسناد و بررسی دیدگاه های مختلف است و در متن تحلیلی بهتر است به صورت ادعا یا موضع سیاسی طرف های درگیر بیان شود.

در نهایت، آینده علی الطاهر فقط به توان نظامی طرفین بستگی ندارد. تصمیم های سیاسی، فشارهای بین المللی، وضعیت نبطیه، واکنش افکار عمومی لبنان و میزان آمادگی بازیگران برای پذیرش آتش بس نیز تعیین کننده خواهند بود.

سد زیرزمینی: اعتراف راديو ارتش اسرائيل

«ارتش به دليل حضور ده ها نيروي حزب الله و شبکه تونل هاي رزمي، از ورود به ارتفاعات علي الطاهر ناتوان است... حزب الله نبرد شديدي براي دفاع از اين منطقه به راه انداخته است.»

— گزارش راديو ارتش رژیم صهیونیستی —



- تثبيت ده ها رزمنده در عمق زمين، پشتيباني هوايي دشمن را خنثي کرده است.
- افزايش حجم شليک موشک هاي مقاومت براي حفظ شعاع دفاعي.

مؤخره: مسئله فقط تصرف یک تپه نیست

تپه علی الطاهر در نگاه نخست، نقطه‌ای مرتفع در جنوب لبنان است؛ اما در واقع، مجموعه‌ای از لایه‌های تاریخی، جغرافیایی، نظامی و سیاسی را در خود جای داده است.

این تپه از یک سو با زیارتگاهی تاریخی و روایت‌های مذهبی و محلی پیوند دارد و از سوی دیگر، به دلیل جایگاهش در میان ارتفاعات اطراف نبطیه و کفرتبنیت، در محاسبات نظامی اهمیت پیدا کرده است.

همین هم‌نشینی تاریخ و جنگ است که نام علی الطاهر را از یک نشانه محلی به موضوعی منطقه‌ای تبدیل کرده است.

از نظر جغرافیایی، این تپه بر بخشی از مسیرها و دشت‌های پیرامونی اشراف دارد و در ارتباط با ارتفاعات مجاور، می‌تواند به یک گره دیده‌بانی و دفاعی تبدیل شود. اما هیچ ارتفاعی در خلأ عمل نمی‌کند. کنترل علی الطاهر بدون کنترل مسیرهای دسترسی، ارتفاعات پشتیبان و خطوط تدارکاتی، دستاوردی شکننده خواهد بود.

به همین دلیل، نبرد بر سر این تپه باید در چارچوب وسیع‌تر محور ارنون، خردلی، کفرتبنیت، نبطیه، مرجعیون و اقلیم‌التفاح بررسی شود.

برای اسرائیل، این منطقه می‌تواند فرصتی برای افزایش فشار بر حزب‌الله، ایجاد عمق نظارتی و تغییر آرایش امنیتی جنوب لبنان باشد. برای حزب‌الله، حفظ آن به معنای جلوگیری از ایجاد شکاف در زنجیره دفاعی و ممانعت از نزدیک شدن فشار نظامی به نبطیه و مناطق شمالی‌تر است. برای لبنان، ماجرا به حاکمیت ملی، نقش ارتش، آینده جنوب و خطر باقی ماندن نیروهای خارجی مربوط می‌شود.

برای ایران و آمریکا نیز این منطقه بخشی از محاسبه‌ای بزرگ‌تر درباره کنترل تنش و جلوگیری از گسترش جنگ است.

با این حال، در روایت‌های جنگی باید میان واقعیت، تحلیل و تبلیغات تمایز گذاشت. ادعاهایی مانند تلفات سنگین، حضور نیروهای خاص، وجود شبکه‌های گسترده زیرزمینی، آماده‌سازی عملیات انفجاری یا تصمیم قطعی برای اشغال بلندمدت، نیازمند منابع مستقل و قابل اعتماد هستند. رسانه‌های وابسته به طرفین درگیری معمولاً اخبار را از زاویه منافع خود روایت می‌کنند؛ بنابراین انتشار مسئولانه، مستلزم مقایسه چند منبع و پرهیز از قطعیت‌بخشی به گزارش‌های تأیید نشده است.

علی‌الطاهر، در نهایت، تنها یک تپه نیست؛ اما نباید اهمیت آن را نیز با اغراق به معنای تعیین قطعی سرنوشت کل جنگ دانست. ارزش واقعی این ارتفاع در پیوند آن با شبکه‌ای از راه‌ها، دره‌ها، شهرها و بلندی‌های اطراف شکل می‌گیرد. هر طرفی که بخواهد از آن بهره‌برداری کند، باید بتواند موقعیت خود را تثبیت، مسیرهای پشتیبانی را حفظ و در برابر واکنش طرف مقابل مقاومت کند.

سنتز استراتژیک: دستاوردسازی زیر سایه آتش بس



■ پارادوکس میدانی: چرا اسرائیل در زمان آتش بس

برای تصرف این تپه می جنگد؟

دشمن با نقض مستمر توافق (از شامگاه جمعه) به دنبال ایجاد دستاوردهای سرزمینی و تغییر مرزهای تماس پیش از تثبیت نهایی است.

■ پاسخ استراتژیک مقاومت:

حزب الله ضمن تاکید بر پایبندی به توافق، به دلیل «شناخت از عهدشکنی و فریبکاری دائمی دشمن»، استراتژی «دست بر ماشه» را اتخاذ کرده است.

■ نتیجه گیری: علی الطاهر نشان داد که تحریم های آمریکا و

فشارهای سیاسی، مقاومت را از دفاع باز نمی دارد؛ نبرد دیپلماسی دقیقاً روی لبه سنگرهای زیرزمینی تعیین تکلیف می شود.

"آینده این منطقه می‌تواند میان سه مسیر حرکت کند"

تشدید نبرد،

فرسایش تدریجی،

یا توافق سیاسی.

هر سه مسیر، پیامدهایی فراتر از محدوده یک تپه دارند. ادامه درگیری، خطر آوارگی و ویرانی را افزایش می‌دهد؛ فرسایش طولانی، هزینه‌های انسانی و اقتصادی را بیشتر می‌کند؛ و توافق سیاسی، بدون تضمین‌های روشن و احترام به حاکمیت لبنان، ممکن است تنها به تعویق بحران منجر شود. از همین رو، پرسش اساسی این نیست که چه کسی برای مدتی کوتاه بر قله علی‌الطاهر پرچم خواهد افراشت. پرسش اصلی آن است که آیا این ارتفاع به سکویی برای گسترش جنگ تبدیل می‌شود یا نقطه‌ای برای آغاز ترتیباتی که امنیت، حاکمیت و زندگی مردم جنوب لبنان را در اولویت قرار دهد. تاریخ این تپه، از زیارتگاه و چشمه تا میدان نبرد، نشان می‌دهد که جغرافیا هرگز از سیاست جدا نیست؛ اما سرنوشت مردم نیز نباید قربانی رقابت قدرت‌ها بر سر جغرافیا شود.

اهمیت بلندی های

«علی الطاهر لبنان»

ناصر کاوه